

عدم شناخت قرآن عامل عقب ماندگی مسلمانان

دکتر محمد باقر محسنی ، عضو هیات علمی واحد خوی

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^۱

نشانه‌های یک جامعه‌ی ایده‌آل و سعادت‌مند ، و در یک مفهوم کلی ، طرح مدینه‌ی فاضله‌ی انسانی ، توسط دانشمندانی چون افلاطون و فارابی داده شده است ؛ هر چند که تاکنون هیچ قدرتی موفق به پیاده کردن طرح‌های پیشنهادی ، جهت ساختن چنین جامعه‌ای نشده است .^۲

در دین مقدس اسلام ، خصوصاً در مکتب متعالی شیعه ، نظر کلی بر این است که با ظهور پر برکت حضرت مهدی (عج) این آرزوی بی‌هیچ کم و کاستی تحقق خواهد یافت ، و جامعه‌ای ایده‌آل و قدرتمند بر مبنای عدل و قسط تشکیل خواهد شد ، و نظر بزرگان دینی بر این است که کارگزاران چنین حکومت سعادت‌مندی ، صالحان ملت و مستضعفان جامعه خواهند بود و وعده‌ی تشکیل این نوع حکومت ، توسط پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی به مردم داده شده است .

قرآن مجید در این باره می‌فرماید : « و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون »^۳ ما بعد از تورات در زبور داوود نوشتیم : که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد . و با توجه به روایاتی از حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امام محمد باقر (ع) ، مراد از «عبادی الصالحون» اصحاب حضرت ولی عصر (عج) در آخر الزمان می‌باشند.

اما گذشته از مدینه‌ی فاضله‌ای که توسط حضرت مهدی (عج) تشکیل خواهد شد ، دین مبین اسلام بر تشکیل جامعه‌ای سعادت‌مند و ایده‌آل با راهنمایی قرآن مجید و با پیروی از سیره و سنت رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی هدی (ع) در همه‌ی زمان‌ها تاکید دارد . از نظر بزرگان دینی ، جامعه‌ی ایده‌آل و دنیای انسانی ، دنیایی است که انسان در آن‌جا چنان که باید باشد چهره می‌نماید نه چنان که

^۱ - رعد ۱۱

^۲ - علل انحطاط تمدن‌ها ، قانع عز آبادی ، احمد علی ، سازمان تبلیغات اسلامی ، ص ۴۰

^۳ - انبیاء ۱۰۵

هست ، در چنین دنیایی رنگین و پر از معنویات ، زشتی‌ها و بدی‌ها بی رنگ و بی رونق هستند و تنها نیکی‌ها و زیبایی‌ها جلوه دارند ، انسان چنین جامعه‌ای در اوج معنویات و کمال است ، و از هرچه پستی‌ها و نامردمی‌ها پاک و مبرآست ، به عدالت و کمال ، عشق می‌ورزد و برای رسیدن به مقام احسان و رضا نرد عشق می‌بازد ؛ انسان‌ها در چنین جامعه‌ای عالم را محضر خدا می‌دانند و در همه‌ی مراحل زندگی حضور خدا را حس می‌کنند ؛ اهل چنین مدینه‌ی فاضله‌ای ، دنیای معنویات و جاویدان را که همیشگی و فنا ناپذیر است کشف می‌کند .

و با نگاهی گذرا به گذشته‌های پر فراز و نشیب دنیای اسلام و مسلمانان به خوبی می‌توان فهمید که در مدت زمان کوتاهی ، شکوه و عظمت اسلام تا آن‌جا که سیطره‌ی مسلمانان رسیده بود همین اوصاف یک مدینه‌ی فاضله را به تدریج پیاده می‌کرد و روح بشر را از خیالات واهی و خرافه‌پرستی ، از بندگی و فساد و تعفن ، و از آلودگی و انحلال نجات می‌داد . به هر کجا سایه‌ی اسلام می‌افتاد انسانیت از ظلم و طغیان و تفرقه ، و از سقوط و امتیازات پوچ طبقاتی و از ستمگری ریاستمداران مغرور نجات می‌یافت . و هر روز بیش از پیش دین مقدّس اسلام نقش خود را در بنای جهان ، بر اساس ایمان و عقّت و نظافت و بر مبنای آزادی و تجرّد و اعتماد به نفس و برنامه‌های متعالی تمدّن آور ایفا می‌کرد . و طولی نکشید که به گفته‌ی نویسنده و اندیشمند فرانسوی -توماس کارلایل - : « هنوز یکصد سال از ظهور اسلام نگذشته‌است که عرب یک‌پا در هند دارند و یک‌پا در آندلس » .

با پیدایش اسلام امتیازات : طایفه ، صنف ، و سیاه و سفید برداشته شد ، و اجتماع همانند پیکر واحدی گردید ، که دیگر ظلم و تعدّی ، بر یکدیگر روا نمی‌داشتند و مددکار یکدیگر می‌شدند ، در دنیای تحت سلطه‌ی اسلام ، هر کدام از افراد اجتماع ، به نوبه‌ی خود مسوولیتی به عهده گرفته ، و مراقب کردار یکدیگر می‌شدند ، و اعمال ناشایسته‌ی همدیگر را کنترل می‌کردند ، رهبران اجتماع مسوولیت اعمال زبردست‌های خود را بر عهده می‌گرفتند و افراد متوسط جامعه ناظر افعال دیگران بودند و به فرمایش قرآن مجید : « المومنون بعضهم اولیا بعضی یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر » مومنین بر یکدیگر ولایت دارند و باید یکدیگر را وادار بکردار شایسته نمایند ، و همدیگر را از کارهای نا شایسته منع نمایند ۱ .

سید ابوالحسن ابوالحسنی متفکرو اندیشمند هندی در کتاب حدود خسارت جهان می‌نویسد :

« مسلمین به‌پا خاستند و رهبری عالم را به‌دست آوردند و ملت‌های فاسد را از رهبری انسانیت که آن را وسیله‌ی سودجویی و منفعت‌یابی خود نمودند ، بیرون راندند ؛ مسلمین سیر سریعی به انسانیت دادند و از روی عدالت انسان را به طرف کمال رهبری نمودند ، و این موفقیت در سایه‌ی صفاتی از قبیل : ابدی بودن قوانین اسلام ، اخلاق سیاستمداران ، خدمت به هم‌نوع ، دانش همگانی و جمع بین روح و ماده بوده‌است . » ۲ نویسنده‌ی کتاب « ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن » می‌نویسد :

« در دنیایی که قدرت‌های ستمکار از هر سو سلطه‌ی ظالمانه‌ی خود را بر توده‌های دربند تحمیل نموده ، و جهل و خرافات و مرام‌ها و مسلک‌ها و مذاهب شرک آلود زنجیرهای گران خود را بر اندیشه‌ها پیچیده‌بودند ، در دنیایی که سراسرش یخبندان ارزش‌ها و والایی‌ها بود ... در آن روز قرآن به رهروان راه توحید نوید نجات و فلاح داد ، نوید فرجام خوش و آینده‌ی سعادت‌مندانه ، نوید پیروزی اندیشه‌ی قرآن بر اندیشه‌های شرک و بیداد را داد ؛ و همگان شاهد بودند که با گذشت زمان نویده‌های قرآن یکی پس از دیگری

۱ - سوره‌ی توبه آیه‌ی ۷۱

۲ - حدود خسارت جهان و انحطاط مسلمین ، به ترجمه‌ی مصطفی زمانی ، ص ۱۷۴ .

۳ - ظهور و و ط تمدن‌ها از دیدگان قرآن ، علی کرمی ، ص ۴۴۱ .

جامه‌ی عمل پوشیدن نه تنها مکه و مدینه و جزیره‌العرب که کاخ‌های ستم ایران و روم و مصر و یمن و شرق و غرب جهان آنروز در معرض گسترش پیام قرآن قرار گرفت. رهروان قرآن نه تنها سرنوشت خود را تغییر دادند که سرنوشت تاریخ را به‌دست گرفتند و امواج رهایی‌بخش پیام قرآن جهان را فرا گرفت.^۳

مسلمانان دوره‌ی‌های اولیه امتی بودند که در آغاز ظهور و تولد خود، توشه و نیرویی در اختیار نداشتند، و دستشان از اسلحه و جنگجو خالی بود، ولی با نیروی ایمان، و رهنمودهای قرآن کریم و رهبری خستگی‌ناپذیر پیامبر گرامی اسلام (ص)، صف امت‌ها را شکستند، و سرزمین‌ها را گشودند، نه برج‌ها و باروها و خندق‌های ایرانیان، و نه قلعه‌ها و حصارهای سر به فلک کشیده‌ی روم، توانستند مانع این پیشرفت غیر مترقبه باشند، و نه سختی راه‌ها و اختلاف سلیقه‌ها و تحولات و پیشرفت‌های صنایع و فنون مانع به هدف رسیدن آنان گشت.

و علی‌رغم ضعف و کمی توانی که داشتند توانستند به چیزهایی دست یابند که امت دیگری به آن‌ها دست نیافته‌بود، آنان قومی بودند که به عهد خویش با خدای وفا کردند، پس خدا هم به عهد خویش وفا فرمود، و مجد دنیا و سعادت آخرت را پاداش آنان قرار داد هم‌چنان که می‌فرماید: «و لَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِیٌّ حَمِیدٌ»^۴

اما امروز در حالی که جمعیت این امت بزرگ به بیش از یک میلیارد نفر می‌رسد، و سرزمین‌های آنان از اقیانوس اطلس تا کشور چین امتداد یافته‌است چرا زمین‌های پاک و حاصلخیز و وسیع آنان مورد سرقت اجانب قرار می‌گیرد و اموال آنان از دستشان روده می‌شود ولی آب از آب تکان نمی‌خورد؟

و چرا بیگانگان بر ملت‌های مسلمان غلبه کرده، زمین‌های آنان را قطعه قطعه می‌نمایند؟ برای این امت نه حرفی است که شنیده‌شود، و نه امری که مورد اطاعت قرار بگیرد، تا جایی که حتی دولت‌مردان آنان نیز با اضطراب شب را به روز می‌رانند، و اوقات آن‌ها را غم و ناراحتی پر کرده و بیش از امید، ترس بر آنان غلبه کرده‌است.

این امتی است که دولت‌های بزرگ برای بقای خویش به او جزیه می‌پرداختند، ولی امروز پادشاهان و بزرگان همین امت بقای حیات خویش را در نزدیک شدن به آن دولت‌های اجنبی می‌دانند. چه مصیبتی جانسوز و چه بلایی خانمانسوز است این.؟ آقای احمدعلی قانع آبادی علت فرو افتادن مسلمانان را از این عزت، چنین بیان می‌نماید: «خداوند در آیات محکم خویش ما را به این مطلب راهنمایی می‌کند که امت‌ها از عرش عزت خویش فرو نیفتادند و نامشان از لوح وجود محو نگردد، مگر پس از این که از سنن الهی که بر اساس حکمت بالغه خداوندی است، سر پیچی نمودند. خداوند سرنوشت هیچ قومی را از عزت سلطنت و رفاه و امن و راحتی تغییر نمی‌دهد تا آن که آنان نور عقل و سلامت فکر و فروزندی بصیرت و عبرت‌پذیری خویش را نسبت به امم سابق و تدبیر در احوال گذشتگان را تغییر دهند و از سنت عدل عدول کنند، و از راه بینایی و حکمت خارج شوند»^۲.

^۴ - حج ۴۱

^۲ - علل انحطاط تمدن‌ها ص ۱۷

امروز علت اساسی این سیر قهقراپی چیست؟ و این همه عقب ماندگی تمدنی و سیاسی و اجتماعی از کجا سر چشمه می‌گیرد و امروز رهنمودهای بزرگترین مصلح جهان هستی، حضرت رسول اکرم(ص) که راه ترقی و تمدن را به روی مسلمانان گشود کجاست؟ ترقی و تمدنی که دوست و دشمن به فراگیر بودن آن اعتراف کرده‌اند و به قول مولانا:

خوشتر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران

تولستوی در کتاب « حکم النبی محمد(ص) » می‌گوید: « از مطالبی که در آن شکی نیست این است که محمد(ص) از جمله بزرگترین مردان و مصلحان جهان است که به تشکیلات اجتماعی بشری خدمتی بس مهم کرده است، در عزت و شرافتش همین بس که امتی را از پایه و اساسش به نور حقیقت هدایت کرد و آن را در طریق اطمینان و صلح، قوت و نیرو بخشید و به یک زندگی همراه با تقوی و فضیلت راهنمایی کرد و آن‌ها را از خونریزی‌ها و قربانی کردن بشر بازداشت و خلاصه راه ترقی و تمدن را به روی آن‌ها گشود. ۳»

گوته، محقق و نویسنده‌ی بزرگ آلمانی، آنگاه که از قرآن سخن می‌گوید، می‌نویسد: « این کتاب تاثیر بزرگ خود را برای همیشه حفظ خواهد کرد، زیرا تعلیمات عملی آن مطابق با حیات فکر بشری است، البته برای قومی که به عقاید و آداب خویش قدرت و احترام و ارزش قایل شود. ۴» آیا مسلمانان به عقاید دینی و آداب قرآنی خویش احترام و ارزش قایل می‌شوند تا جوامع مربوط به آنان به گودال انحطاط نیفتند؟

برنارد شو، نویسنده‌ی مشهور انگلیسی در بحث راجع به اسلام چنین گفته‌است: « اروپا به نازگی شروع کرده‌است که حکمت و دانش محمد(ص) را ادراک نماید، علاقه‌مندی، عشق خود را به دین محمد(ص) آغاز کرده‌است، در آینده‌ی نزدیکی دین او همان نظام و قانونی خواهد شد، که بنیان‌های صلح و سعادت بر اساس آن پایه‌گذاری شود، زیرا این اسلام است که همه را به آزادی واقعی و به برادری و مساوات دعوت نموده، و وسایل تحقق آن را آماده کرده‌است، و موازین حق و عدالت و انصاف را برپا ساخته‌است. »

و اگر با بینشی نقادانه و با نگرشی منصفانه، به آن دوران اوج عظمت مسلمانان از یک طرف، و به این دوران انحطاط آنان از طرف دیگر بنگریم، بالاجبار خواهیم پذیرفت که علت اساسی این همه انحطاط و عقب ماندگی، سر پیچی مسلمانان از سنن فراگیر الهی، و از تعالیم انسان‌ساز قرآن مجید بوده، و اسباب کلی این سقوط از عرش عزت و جهانداری، به حضيض انحطاط و بی‌فرهنگی، چیزی جز عدم شناخت قرآن مجید و گریز از رهنمودهای سعادت‌آفرین معصومین (ع) نیست، همچنان که خود قرآن مجید، با نور سردمی و جاویدانش، این تنزل‌ها و عقب ماندگی‌ها را پیش‌بینی فرموده‌است و در آیات مکرر نشانه‌های انحطاط جوامع بشری را بیان کرده‌است که جهت جلوگیری از اطاله‌ی کلام، فهرست وار به دلایلی چند با استنادهای آیه‌ای اشاره می‌کنیم:

نشانه‌های انحطاط جوامع بشری از دیدگاه قرآن:

۱- عصیان و نافرمانی از دستورات الهی:

در آیات آغازین سوره‌ی اعراف صفاتی که ابلیس به خاطر آنها از اوج کرامت و عبودیت به قعر پستی و دوری از خدا افتاده‌است ذکر گردیده است، از جمله‌ی آن صفات عصیان و نافرمانی از دستورات الهی است: « لَم یکن من الساجدین » (اعراف - ۱۱).

۲ - نقل از کتاب آشنایی با علوم قرآن، داود عطّار، سید محمد رادمنش ص ۹۴

۴- همان منبع، ص ۹۵

با توجه به این که این صفت اختصاص به شیطان ندارد، بلکه صفت تمام شیاطین انس و جن است، می‌توان جوامعی را که از راه هدایت منحرف شده، و پیرو شیطان گشته‌اند و به انحطاط کشانده شده‌اند، دارای این ویژگی‌ها دانست.

۲- رواج ظلم و ستم در جامعه:

خروج از شاهراه عدالت و دادگستری و ترک قسط و انصاف و گرایش به ظلم و تعدی از عوامل مهم سقوط تمدن‌ها، و قدرت‌های بزرگ بوده و از علل اساسی هلاکت و فناى جامعه‌ها به حساب می‌آید. و این سنت حکیمانه‌ی الهی را هم محاسبات دقیق علمی، و هم تجربیات زندگی اجتماعی تایید می‌کند، حتی آزمون‌های پی‌در پی تاریخی، و متون و منابع اصیل دینی و مذهبی بر آن صحه می‌گذارد.

قرآن مجید نیز علت اساسی فنا و نابودی جامعه‌ها و تمدن‌ها و سلسله‌ها را ظلم و تعدی و تجاوز کاری خود آن‌ها می‌داند و می‌فرماید:

الف - وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... (یونس - ۱۳)

وما به تحقیق قبل از شما امت‌هایی را به دلیل ظلم و جورشان به بوته‌ی هلاکت سپردیم.

ب - وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ أَلَّا وَ أَهْلِهَا الظَّالِمُونَ . (قصص - ۵۹)

و ما هرگز نابودکننده‌ی شهرها و تمدن‌ها نبودیم، مگر آن‌ها که اهل آن‌ها ستمگران بودند.

ج - وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ أَنشَانَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخِرِينَ . (انبیاء ۱۱)

و چه بسا شهرها و دیاری که ستمکار بودند در هم کوبیدیم و پس از نابودی آن‌ها، جامعه و قومی دیگر به وجود آوردیم.

د - وَ تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... (کهف - ۵۹)

این‌ها شهرها و آبادی‌هایی است که ما آن‌ها را به هنگامی که ظلم و ستم کردند هلاک کردیم.

و ده‌ها آیه‌ی دیگر که با کمال تأسف نشانه‌های هر کدام را می‌توان در جوامع اسلامی امروزی پیدا کرد.

۳ - توجه به امتیازات مادی به جای امتیازات معنوی:

عوض شدن جای ارزش‌ها و ضدارزش‌ها، از ویژگی‌های بارز یک جامعه‌ی انحطاط یافته‌است، اگر ملتی همه‌ی هم و غم خویش را به اکتساب، پست و مقام و سرمایه‌های بی‌ارزش دنیوی منحصر سازد، دیگر جایی برای دست‌یابی به ارزش‌های علمی و معنوی نخواهد داشت، تجملات زندگی امروزی، چشم‌هم‌چشمی‌های زنان در رفت و آمدها، توجه آنان را به ارزش‌های معنوی کاسته‌است تا جایی که اگر درباره‌ی تازه خواستگاری پرس و جو بکنند همه‌اش این خواهد بود که آیا درآمدی دارد؟ شغلش پردرآمد است؟ خانه و ماشین دارد؟ و کمتر پرسیده‌می‌شود که آیا اهل نماز و روزه و دیگر واجبات است یا نه؟ و شاید شیطان به این اعتبار گفت: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ». (اعراف - ۱۲).

۴ - تفرقه و دوگانگی:

جامعه‌شناسان و سیاستمداران، از هم گسیختن رشته‌های اتحاد و تفاهم و همبستگی ملی، و ظهور اختلاف و تفرقه را در میان مردم از عوامل مهم سقوط جامعه‌ها و انهدام تمدن‌ها شمرده‌اند، و اختلاف و تفرقه را به ویژه در میان مردم و مسوولین آفت جان جامعه‌ها

دانسته‌اند. قرآن مجید در آیات فراوانی مردم را به اتحاد و یکپارچگی و به هم پیوستن قوت‌ها و قدرت‌ها دعوت می‌فرماید، و نتیجه‌ی اتحاد را پیروزی و موفقیت می‌داند، هم چنان که نتیجه‌ی اختلاف و پراکندگی را چیزی جز شکست قدرت‌ها و انحطاط و ذلت جوامع بشری نمی‌داند، از آن جمله می‌فرماید:

۱- وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... (آل عمران - ۱۰۳)

همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و از پراکندگی بپرهیزید.

۲- تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی (ماید- ۵)

۳- وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البَیِّنَات (آل عمران ۱۰۵)

و مباحثید مانند کسانی که اختلاف کردند و پراکنده شدند آن هم پس از آن که نشانه‌های روشن به آنان رسید.

۴- وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ و كَانُوا شِعْبًا (روم - ۳۲)

و از شرک پیشگان مباحثید از آن‌هایی که دین خود را به آفت تفرقه و تشتت دچار ساختند و به گروه‌های مختلف تقسیم گشتند.

و ده‌ها آیه‌ی دیگر که کدام به نوعی بیانگر انحطاط جوامع به دست تفرقه و دوگانگی است.

۵- ترک امر به معروف و نهی از منکر:

از عوامل مهمی که جامعه را دچار انحطاط و پستی می‌کند، بی‌توجهی به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است؛ تمامی فرامین و اوامر الهی واجب‌الاجرا بوده، جهت پیشرفت جوامع، لازم و ضروری هستند، ولی در آیات و روایات، دو امر مذکور در صدر فرایض و فرامین الهی قرار گرفته و به آن‌ها بیشتر تاکید شده‌است.

حضرت رسول اکرم (ص)، عوض شدن جای معروف و منکر را از نشانه‌های جامعه‌ی منحل می‌دانند، و می‌فرمایند: «چگونه خواهید بود، زمانی که زنان شما، فاسد و جوانان‌تان بدکار شوند و به معروف امر نکنند از منکر باز ندارند... و بدتر از آن، چگونه خواهید بود، زمانی که به منکر فرمان دهید و از معروف باز دارید، و بدتر از آن چگونه خواهید بود، زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف بدانید؟ سوال شد آیا این مطلب واقع خواهد شد؟ فرمود بلی، همه‌ی این‌ها اتفاق خواهد افتاد.»

حضرت امام حسین (ع) در تفسیر آیه‌ی «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء، بعضی، یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (توبه - ۷۱)؛ می‌فرمایند: «ای مردم بدانچه خداوند اولیای خود را به آن پند داده، عبرت بگیرید، خداوند فرمود: مردان و زنان مومن دوست و یاور هم هستند و یکدیگر را به نیکی‌ها دعوت و از بدی‌ها باز می‌دارند، خداوند از مسأله امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد زیرا می‌دانست که اگر این فریضه، ادا گردد و برپای داشته شود، واجبات دیگر چه آسانش و چه مشکلیش بر پای داشته خواهد شد. زیرا امر به معروف و نهی از منکر دعوت کننده به اسلام است مظلوم را باز می‌گرداند، با ستمگر در می‌افتد...»^۱

آقا امیر المومنین در خطبه‌ی قاصمه، علت لعن خداوند نسبت به گذشتگان را تنها مسأله ترک امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند و فرموده‌اند: «خداوند مردم قرون پیشین را از رحمت خود دور ساخت جز به خاطر این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند، خداوند افراد سفیه را به خاطر گناه و افراد عاقل و دانا را به خاطر، ترک نهی از منکر از رحمت خود به دور داشت.»^۲

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳

^۲ - نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۹۲، ص ۸۰۸

۶- گناه دیگران را به گردن دیگران انداختن :

هر گاه افراد یک جامعه ، کوتاهی‌ها و خطاهای خویش را به دیگران نسبت دهند و خود را از گناه بری بدانند ، دیگر جایی برای جبران مافات نخواهد بود . سازمان‌ها و موسسات و ادارات مختلف نیز همین حال را دارند ؛ و شاید یکی از علل مهم انحطاط جوامع اسلامی همین امر باشد ، در چنین جوامعی هر گاه پیشرفتی حاصل شود هر کسی به خود نسبت می‌دهد و هر گاه خلی و آسیبی پیدا شود هیچ کسی و هیچ اداره‌ای بر عهده نمی‌گیرد ؛ قرآن مجید یکی از اوصاف جامعه‌ی منحلّ فرعون را این چنین بیان می‌کند : « فرعونیان را سخت به قحطی و آفت زرع مبتلا کردیم ، شاید متذکّر شوند ، پس آنگاه که نیکویی به آن‌ها می‌رسید به شایستگی خود نسبت می‌دادند و هر گاه بدی به آن‌ها می‌آمد فال بد به موسی و همراهانش می‌زدند . » ۳

۷- سپردن کارها به مسوولان بی لیاقت به ویژه در بعد اقتصادی :

مسوولان یک کشور باید در رشته‌ی خود تخصص و سر رشته‌ی کافی داشته باشند ، عدم برخورداری مسوولان اقتصادی کشور از دانش کافی نسبت به علم اقتصاد ، و زیر و بم‌های اقتصادی جهان ، از عوامل رکود اقتصادی ، و در نتیجه از موجبات انحطاط اقتصادی است .

امام صادق (ع) می‌فرماید : « العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس » کسی که به حوادث زمان آگاه باشد گرفتار امور اشتباه برانگیز نمی‌گردد ۴ .

نسپردن زمام امور اقتصادی به دست افراد لایق و کاردان و در عین حال ، پرهیزگار و قانع ، رشته‌ی اقتصاد مملکت را از هم می‌گسلاند ، و با نگاهی گذرا به علل انحطاط کشورهای متمدن گذشته معلوم می‌شود ، که اکثر آن‌ها از درون و از عدم برنامه‌ریزی‌های اقتصادی پوسیده‌اند .

باز امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید : « از اسباب پایداری اسلام و مسلمانان این است که اموال در دست کسانی قرار گیرد که حق آن‌را بدانند و نیکو عمل کنند ، و از وسایل نابودی اسلام و مسلمانان این است که اموال در دست کسانی قرار گیرد که حق آن‌را ندانند و به نیکی رفتار نمایند ، » ۵

۸- تقلید کورکورانه

یکی دیگر از عوامل انحطاط جوامع بشری به ویژه مسلمانان تقلیدهای کورکورانه است ، تقلیدهای غلط و کورکورانه به روایت تاریخ سه گونه بوده است :

الف : تقلیدهای غلط از پدران و گذشتگان ، ب : تقلیدهای غلط از بزرگان و سادات قوم ، ج : تقلیدهای غلط از اجانب و قدرت‌های بزرگ .

مرحوم علامه بزرگ طباطبائی می‌نویسد : « انسان به الهام فطرتش ملهم شده که در آنچه خودش تخصص دارد ، به علم و آگاهی خود عمل کند و در آنچه که دیگران در آن تخصص دارند از آنان پیروی نموده ، به مهارت آنان اعتماد کند . اینجاست که می‌گوییم بنای

۳- اعراف ، ۱۳۰ ، ۱۳۱

۴- الحیاه ، ج ۳ ، ص ۱۲۶

۵- وسایل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۵۲۱

عقلای عالم بر این است که هر کس به اهل خبره در فنّ مراجعه نماید و حقیقت و واقع این مراجعه همان تقلید اصطلاحی است ، که معنایش اعتماد کردن به دلیل اجمالی هر مساله‌ای است که دسترسی به دلیل تفصیلی آن از حدّ و حیطه‌ی طاقت او بیرون است . بنابراین تقلید در آن مسائلی که خود انسان می‌تواند به دلیل و عتّش پی ببرد تقلید کورکورانه و غلط است ، همچنانکه اجتهاد در مساله‌ای که قدرت ورود بدان مساله را ندارد ، یکی از رذائل اخلاقی است ، که باعث هلاکت اجتماع می‌گردد و مدینه‌ی فاضله بشری را از هم می‌پاشد.^۶

منظور از این تقلید ، تقلیدهای کورکورانه و از روی تعصّب های نامعقول غیر منطقی است ، و قرآن مجید این گونه تقلید ها را به شدت نهی می‌فرماید: « و اذا قیلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا ما انزلَ اللّٰه قالوا بل نَتَّبِعُ ما الفینا علیہ اباؤنا اَوْ لو کان اباؤهم لایعقلون شیءا و لا یهتدون » . (بقره - ۱۷۰)

« و چون کفّار را گویند : از شریعت و کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید ، پاسخ دهند : ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود آیا بایست تابع پدران باشند ، در صورتی که آن‌ها بی‌عقل نادان بودند ، هر گز به حقّ و راستی هدایت نیافته‌اند » . از بزرگترین مشکلاتی که پیامبران الهی با آن مواجه بوده‌اند ، این که هر گاه امتّ خویش را به عبادت خداوند یگانه و رفض طاغوت ها فرا می‌خواندند سرکشان و ناصحان قوم ، تقلید از پدران و گذشتگان خویش را از پیروی پیامبران برتر دانسته ، علناً به این مطلب اقرار می‌کردند همچنان که قوم موسی (ع) و قوم هود (ع) می‌گفتند ، آیا شما آمده‌اید که ما را از عقاید و آدابی که پدران ما بر آن بودند باز داری ؟ .

اما تقلید از نوع سوّم ، تقلید کورکورانه از اجانب و قدرت‌های جهانی ، جوامع اسلامی را فلج کرده‌است ؛ عدم پیشرفت ملل جهان سوّم در صنعت ، همراه با فقر فرهنگی ، آنان را وادار می‌کند که از عادات و رسوم غرب و شرق برای خویش الگو سازند ، گویا این گونه می‌اندیشند که تقلید در پوشاک و خوراک و وضع ظاهری جوانان ، صنعت و تکنیک و علوم پیشرفته را به همراه خواهد آورد ؛ غافل از این که جز ذلّت و وابستگی ، عایدی نخواهد داشت .

بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران ، در وصیّت نامه‌ی سیاسی خویش به این مطلب چنین اشاره می‌کند : « از جمله نقشه ها که مع الاسف تاثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حدّ زیادی به جا مانده ، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش ، و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است ... و غم انگیزتر این که آنان ملت های ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند ، و به قدری ما را از پیشرفت های خود و قدرت های شیطانیشان ترسانده اند که جرات دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده ایم و سرنوشت خود و کشور های خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم . ۲

گذشته از علل فوق ، نشانه های دیگری نیز در عقب ماندگی جوامع اسلامی نقش دارند که اهمّ آن ها را می توان به صورت زیر فهرست نویسی کرد :

^۶ - المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۱۲
^۲ - صحیفه ی انقلاب ، ص ۱۵

۹- دروغ بستن و افترا زدن به مقتدسات برای پیشبرد مقاصد شیطانی

۱۰- ریا و تزویر به خیر خواهی

۱۱- فسادهای اخلاقی و اقتصادی

۱۲- تکبر و خودبزرگ بینی مسوولان

۱۳- فریب دادن مردم به بهانه های مختلف

۱۴- اتراف و خوشگذرانی مردم و مسوولان

۱۵- سستی در جهاد و دفاع از مملکت و ارزش های دینی

۱۶- عدم استقلال در زمینه های مختلف علمی و سیاسی و فرهنگی و غیره ...

نتیجه گیری :

« یک تمدن بزرگ تا از درون منهدم نشده باشد از بیرون مغلوب نمی شود.» (ویل دورانت) با توجه به این ویژگی های مثبت و منفی یاد شده ، امروزه جامعه ای را می توان سعادت مند دانست که در آن انسان ها به حد اعلای کمالات خویش برسند و به نظر جامعه شناسان ، جامعه ای ایده ال است که در آن پنج نهاد : خانواده ؛ اقتصاد ؛ حقوق ؛ حکومت و آموزش و پرورش به طور احسن تحقق پیدا کنند و موسسات وابسته ای به آن ها وظایف خودشان را به نحوی انسانی انجام دهند .

خداوند متعال بارها در کلام متین خود وعده ی عزت و نصرت و غلبه را بر مسلمانان واقعی داده است « و لله العزّة و لرسوله و للمؤمنین » ۱ « و کان حقاً علینا نصرالمؤمنین » ۲. که عزت و نصرت و یاری اهل ایمان را بر عهده ی خود می داند .

بنابراین انسان با شناخت ارزش های قرآنی دچار خسران و عقب ماندگی نمی گردد ؛ به ارزش دنیا ، ارزش آخرت ، ارزش زندگی و در نهایت به ارزش دین پی می برد ، و با بهره گیری از قرآن ، هستی را آن چنان که هست می شناسد ، و با اندیشه و تدبیر در قرآن و به کار بستن دستورات آن ، سعادت خود را در زندگی فردی و اجتماعی و نیکبختی خود را در دنیا و آخرت تامین می نماید ۳ .

از طرفی همین خدای بخشنده و مهربان در این کتاب پراز نعمت و برکت خودش بارها و بارها به مردم هشدار می دهد که اگر با شناختن سنن الهی از تاریخ عبرت نگیرند و از رفتار و کردار ملل مغلوب و هلاک شده نپرهیزند و با اعراض از ذکر خدا ، امر به معروف و نهی از منکر را به دست فراموشی بسپارند ، سنت مکر و استدراج را به جان خواهند خرید که : « سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ » ۴ . و همچنان که پیاده شدن سنن الهی در یک جامعه سبب خوشبختی و سعادت همه افراد جامعه می شود عدم رعایت سنن الهی نیز کلّ جامعه را در معرض هلاکت و نابودی قرار می دهد و افراد صالح نیز دچار عذاب و مجازات می شوند آنجا که قرآن می فرماید : « و اتقوا فتنةً

لا تُصیبنّ الذّین ظلموا منکم خاصّه » ۵ « بترسید از بلائی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران نباشد .»

۱. منافقین (۸)

۲. روم (۴۷)

۳. گلستان سوره ها ، جعفری . محمد حسین ، انتشارات فایز ، چاپ ششم ، آبان ۱۳۸۱

۴. اعراف (۱۸۳)

۵. انفال (۲۵)

۶. برگرفته از کتاب : آشنایی با علوم قرآنی ، ص ۹۶

و شاید در نتیجه‌ی همین عدم شناخت قرآن مجید و فرامین الهی و سیره و سنت چهارده معصوم (ع) است که امروز اکثر ملل مسلمان با کمال تأسف به علل گوناگون عقب مانده به حساب می‌آیند و نشانه‌های انحطاط در اکثر جوامع اسلامی به چشم می‌خورد ،

با وجود همه ی این ها اگر به زعم آقای داود عطار : به بشریت فرصتی دوباره داده شود که قرآن را از پایگاه اصلیش که در راهنمایی اجتماعات دارد ، دور نسازد ، ما انسان ها دیگر بوی باروت را که امروزه از همه ی نقاط عالم بر می‌خیزد و غبار آزمایش های اتمی را که محیط ها و فضاها و بیابان های ما را پر کرده است و ما را به هلاکت و نابودی تهدید می نماید استشمام نخواهیم کرد ، و کشمکش های ملل مختلف را در هر گوشه و کنار جهان نخواهیم دید ، و صدای طبل های جنگ و جنگ موشک های چند سر را که گوش جهان را می خراشد و نیستی اقویا و ضعفا را یکسان اعلام می نماید ، نخواهیم شنید . و اگر به بشریت فرصت داده شود که راه به قرآن پیدا بکند و خود را به رشته ی محکم آن پیوند دهد ، راه و رسم جاهلیت را کنار بگذارد ، خواهیم دید که آرزوهای ملل جهان ، و هدف های انقلابیون امت های روی زمین ، و خواست های تشکیلات و موسسات حکومتی به کلی همان خواسته هایی است که قرآن به آنها واقعیت و تحقق می دهد ، در هر زمینه ای از زمینه های زندگی که باشد ، چه فردی و چه اجتماعی ، زیرا این قرآن است که سایه ی رحمت خود را بر همه می افکند و همه را به هدایت عالی خود جذب می کند و راه و روشش قابل پیروی است و قوانین و احکامش با زندگی تطبیق می نماید . ۶.

منابع و ماخذ :

۱. آشنایی با علوم قرآن ، عطار داود و رادمنش سید محمد ، انتشارات بنیاد قرآن ، چاپ اول ، تهران آبانماه ۱۳۶۰
۲. بینش تاریخی قرآن ، جعفری یعقوب ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ دوم ، تهران پاییز ۱۳۶۸
۳. تاریخ تمدن اسلام ، زیدان جرجی ، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام ، موسسه انتشارات امیر کبیر ، چاپ ششم تهران ۱۳۶۹
۴. تاریخ تمدن ، آرنولد توین بی ، ترجمه یعقوب آژند ، انتشارات مولی ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۶۶
۵. ترجمه المیزان ، طباطبایی محمد حسین ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی و... کانون انتشارات محمدی تهران
۶. حدود خسارت جهان و انحطاط مسلمین ، الحسنی سید ابوالحسن ، ترجمه مصطفی زمانی ، انتشارات پیام اسلام چاپ اول ، قم ۱۳۵۴
۷. علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن ، قانع عزآبادی احمد علی ، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی ، چاپ اول زمستان ۱۳۷۱
۸. ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن ، کرمی علی ، با مقدمه ایه الله مکارم شیرازی ، انتشارات سپهر قم ، ۱۳۶۸
۹. قرآن در اسلام ، طباطبایی علامه محمد حسین ، انتشارات طلوع ، مشهد ، بی تا
۱۰. گلستان سوره ها ، جعفری محمد حسین ، انتشارات فایز ، چاپ ششم ، آبان ۱۳۸۱